

# آیا شیعه قرآن را محرف می‌داند

## و قرآن دیگری دارد؟

کلمه غلامرضا رضائی

### مقدمه

این نوشتار قصد دارد به نقد و بررسی شبهه‌ای درباره تحریف قرآن بپردازد. هدف این بررسی، پاسخ به گروهی از اخباری‌ها است که با تمسک به ظاهر برخی روایات بی‌اساس، از تحریف قرآن سخن گفته‌اند و مهم‌تر از آن، پاسخ به کسانی است که تحریف قرآن را به شیعه نسبت می‌دهند.<sup>۱</sup> در اینجا روی سخن با وهابیان است که با حمله به شیعیان، آنان را به قول به تحریف متهم می‌کنند؛ در حالی که خودشان احادیث تحریف را در معتبرترین صحاح و مجموعه احادیث خود نقل و توجیه می‌کنند.<sup>۲</sup> هدف این افراد مغرض از این تهمت‌ها، ایجاد تفرقه میان امت اسلامی است. کذب ادعای این افراد را صدها کتب شیعی در طول تاریخ اسلام نشان داده است.

---

۱. افسانه تحریف قرآن، رسول جعفریان، ص ۳۵.

۲. سیمای عقائد شیعه، آیت‌الله سبحانی، ص ۱۷۰.

جای تعجب است که فردی چون «فخر رازی» در ذیل آیه شریفه: ﴿إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ﴾ (حجر: ۹) بگوید: «این آیه، دلیل بر ابطال قول شیعه است که قائل به تغییر، زیاده و نقصان در قرآن شده‌اند!»<sup>۱</sup>

اگر منظور او، بزرگان و محققان شیعه است که هیچ یک از آنان چنین اعتقادی نداشته‌اند و اگر مقصود وی، وجود قول ضعیفی در این باره، در شیعه است، نظیر آن در اهل سنت نیز موجود است که هیچ یک به آن اعتنایی نکرده‌اند.<sup>۲</sup>

متأسفانه شبهه پراکنی مغرضان در باورهای شیعه، تنها مربوط به قرون گذشته نیست و در قرون اخیر نیز این غرض‌ورزی‌ها فزونی یافته است. افرادی، مانند: «محمد بن عبدالوهاب» (م ۱۲۰۶ ه. ق) - که سلسله‌جنبان آنان است - و پس از او پیروان سلفی‌اش<sup>۳</sup> هستند که بر این اتهام پافشاری می‌کنند.<sup>۴</sup>

### آثار شبهه پراکنی مخالفان

در واقع ادعای وهابیان در رابطه با مصحف پنهانی شیعیان، برای جامعه مسلمانان، دل‌مشغولی ایجاد کرده است که از جمله پیامدهای زیان‌بار آن، ایجاد تردید در باورهای بخشی از اهل قبله نسبت به برخی دیگر است. عده‌ای از مسلمانان، متأثر از این شبهات گمان می‌برند، شیعه با قرآن فعلی بیگانه است و به جای آن با مصحفی پنهانی سر و کار دارد.<sup>۵</sup>

۱. مفاتیح الغیب، فخرالدین رازی، ج ۱۹، ص ۱۲۴.

۲. یکصد و هشتاد پرسش و پاسخ، آیت‌الله مکارم شیرازی، ص ۲۲۲.

۳. شاه عبدالعزیز دهلوی (م. ۱۲۳۹ ه. ق)، علی‌احمد السالوس، محب‌الدین خطیب، دکتر موسی جارالله، دکتر ناصر علی‌القفاری، محمد مال‌الله، احسان الهی‌ظهیر، دکتر احمد محمد جلی، محمد شکر آلوسی و ...

۴. ر.ک: تحریف‌ناپذیری قرآن، فتح‌الله نجارزادگان، ص ۱۸۴.

۵. همان، ص ۱۸۵.

در اینجا تنها به دو نمونه از پیامدهای شبهه پراکنی معاندان اشاره می‌شود:  
به نقل از خبرگزاری‌ها، در بیست و چهارمین اجلاس جهانی وحدت اسلامی که در تهران برگزار شد، درباره مصحف فاطمه علیها السلام و موضوع تحریف قرآن، میان برخی از شرکت‌کنندگان اختلاف افتاد.

یکی از اندیشمندان اهل سنت شرکت‌کننده در اجلاس مبحثی در این زمینه طرح کرد و گفت:

از کودکی به ما می‌گفتند، شیعیان قائل به تحریف قرآن هستند و قرآن موجود نزد شیعیان با قرآن موجود نزد اهل سنت فرق می‌کند و مدام این موضوع را تکرار می‌کنند، اما در پی مرآده با علمای شیعه و نشست‌های تقریبی، روشن شد که این‌گونه نیست. یکی دیگر از موضوعاتی که در همین راستا مطرح می‌شود و بسیاری از شبکه‌های ماهواره‌ای نیز بدان دامن می‌زنند، موضوع مصحف فاطمه علیها السلام است به طوری که می‌گویند؛ قرآن شیعیان همان مصحف فاطمه علیها السلام است که از شما می‌خواهم درباره مصحف فاطمه علیها السلام توضیح دهید.<sup>۱</sup>

نمونه دیگر، ماجرای اسارت تعدادی از زائران ایرانی حرم مطهر حضرت زینب علیها السلام در سوریه است. یکی از اسیران، پس از آزادی، در گفت‌وگو با خبرنگاران می‌گوید:  
مدتی که از اسارتمان به دست نیروهای معارض سوری گذشته بود، از گروگان‌گیران تقاضای قرآن کردیم. گروگان‌گیران در ابتدا با حالت تعجب و تمسخر گفتند، مگر شیعیان ایرانی قرآن خواندن بلدند که ما به شما قرآن بدهیم و اصلاً مگر شیعه قرآن می‌خواند. وقتی یکی از گروگان‌گیران پس از اصرار فراوان، یک جلد کلام‌الله مجید را در اختیار ما گذاشت، صوت زیبای تعدادی از اسیران،

۱. سایت خبر آنلاین، تاریخ انتشار گزارش: جمعه ۶ اسفند ۱۳۸۹.

چنان تأثیری بر گروگان‌گیران و هابی گذاشت که آرام آرام اشک می‌ریختند. در چند روز آخر کار به جایی رسید که هر کدام از فرماندهانشان می‌آمدند از ایرانی‌ها می‌خواستند، برایشان قرآن تلاوت کنند.<sup>۱</sup>

### نگاهی به سیر اندیشه تحریف‌ناپذیری قرآن

ریشه بحث تحریف‌ناپذیری قرآن را باید هم‌زمان با نزول قرآن و در متن آیات وحی یافت. در ذکر دلایل مصونیت قرآن از تحریف، اشاره می‌کنیم که سنگ بنای خلل‌ناپذیری الفاظ قرآن را، خود قرآن پی گذاشته است.

دانشمندان شیعی تا دوره اخیر از این موضوع استقبال کرده‌اند. تنها در عصر صفوی (۹۰۶-۱۱۳۴ ه.ق) که تا حدودی برای جمع‌آوری اخبار فرصتی فراهم شد و روایات تحریف‌نما نیز در بین منابع حدیثی، تفسیر بالمأثور، تفاسیر روایی و شرح اخبار قرار گرفتند و تنی چند از امامیه، مانند «سید نعمة الله جزائری» و «ابوالحسن فتونی»، با استناد به این اخبار، به تحریف قرآن متمایل شدند. اما اکثریت قاطع امامیه، همچنان به بررسی این روایات پرداختند و به تحریف‌ناپذیری قرآن گواهی دادند، که در مباحث آینده به اسامی بسیاری از آنان اشاره می‌شود. تنها کتاب «فصل الخطاب» «محدث نوری» (م/ ۱۳۲۰ ه.ق) در آن بستر تاریخی، چالشی دیگر بود و پس از تألیف آن، دانشمندان امامیه به این مسئله توجه بیشتری نشان دادند و ده‌ها کتاب مستقل درباره مصونیت قرآن از تحریف نوشتند.<sup>۲</sup>

در این نوشتار، به برخی دلایل اشاره می‌کنیم که اثبات می‌کنند شیعیان جز همین قرآن حاضر، قرآن دیگری ندارند. این دلایل در چارچوب دلایل قرآنی، روایی، عقلی، اجماع، و اعتراف دیگران قرار می‌گیرند.

۱. سایت خبرگزاری مهر، کد خبر: ۱۷۹۵۷۱۴.

۲. تحریف‌ناپذیری قرآن، فتح‌الله نجارزادگان، ص ۱۹.

در ابتدا واژه «تحریف» را در لغت و اصطلاح معنی می‌کنیم و درمی‌یابیم که «تحریف ادعایی» کدام نوع تحریف است.

### تحریف در لغت و اصطلاح

تحریف در لغت، یعنی تغییر سخن برخلاف مقصود، کج کردن و گرداندن سخن از معنای اصلی.<sup>۱</sup> آیه ﴿يَحْرِفُونَ الْكَلِمَ عَنْ مَوَاضِعِهِ﴾ (نساء: ۴۶) نیز به همین معنی تفسیر شده است.<sup>۲</sup>

اما در اصطلاح، تحریف چند معنی دارد:

۱. تغییر معنای سخن، یعنی تفسیر آن به گونه‌ای که موافق نظر مفسر است، چه با واقعیت مطابق باشد، چه نباشد.
  ۲. کم و زیادی در حرکت و حرف، با حفظ اصل قرآن، مانند «یطهرن» که هم با تشدید خوانده می‌شود، هم بدون تشدید.
  ۳. تغییر کلمه‌ای به جای کلمه مرادف آن. مثل آنکه به جای «امضوا» در آیه ﴿وَأَمْضُوا حَيْثُ تُؤْمَرُونَ﴾ (حجر: ۶۵) کلمه «اسرعوا» گذاشته شود.
  ۴. تحریف در لهجه تعبیر.
  ۵. تحریف به افزودن.
  ۶. تحریف به کاهش و افتادگی عمدی یا اشتباهی از قرآن، چه آنچه کم شده است، یک حرف باشد یا یک کلمه، یک جمله، یک آیه و یا یک سوره.
- تغییر به معنای اول، در قرآن وارد شده است و البته لطمه‌ای به عظمت قرآن نمی‌زند. قرآن از تحریف نوع دوم، مصون است؛ زیرا قرائت رایج در هر دوره، یعنی

۱. لسان العرب، ابن منظور، ج ۹، ص ۱۸۶.

۲. مفردات الفاظ قرآن، ج ۱، ص ۲۲۸.

قرائت عاصم از حفص که به علی ع می‌رسد، متواتر است و جز آن، اجتهادهای نو پدید می‌آید که در روزگار پیامبر ص اثری از آنها نبوده است.

ساحت قرآن کریم از تحریف نوع سوم و نوع چهارم نیز مصون است. چنان‌که تحریف به افزودن، نیز بنابر اجماع علمای فریقین در قرآن راه نیافته است. اما تحریف نوع ششم، یعنی تحریف به کاهش، محور بحث مدعیان است.<sup>۱</sup>

### دلایل تحریف‌ناپذیری قرآن کریم

شیعه امامیه بر این باور است که قرآن نازل شده بر قلب مبارک پیامبر ص در شب قدر، همین قرآن مبارک و با عظمتی است که قرن‌هاست چراغ راه مسلمانان و جهانیان است و همین اندک ارزش‌های اخلاقی که در جامعه بشری به چشم می‌خورد، به برکت پرتو هدایت قرآن است.

این حقیقت با دلایل فراوانی به اثبات رسیده است. در اینجا، تنها به نمونه‌هایی از این دلایل اشاره می‌کنیم.

#### ۱. دلایل قرآنی

الف) **آیه حفظ:** از جمله آیاتی که مصونیت قرآن از تحریف را بیان می‌کند، آیه شریفه: ﴿إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ﴾؛ «ما خودمان ذکر [قرآن] را فرود آوردیم و خودمان نگهبان آن هستیم» (حجر: ۹) است.

استفاده از تأکید و ضمیر جمع - که بیانگر عظمت این امر است - برای برطرف شدن شک کسانی است که در آیات پیشین به آنان اشاره شده است.

آنان به نزول قرآن از جانب خدا تردید داشتند و آن را انکار می‌کردند و نیروهای

۱. سیمای عقاید شیعه، صص ۱۵۱ - ۱۵۴.

غیرالهی را در این باره مؤثر می‌دانستند. خداوند با این کلام مؤکد، از یک سو، دخالت نیرویی دیگر را در نزول قرآن رد می‌کند و آن را تنها به ذات اقدس الهی منتسب می‌داند و از سوی دیگر، بر عظمت قرآن و مصونیت آن از هر نوع دست‌برد، هنگام نزول، تأکید می‌ورزد.

جمله دوم آیه شریفه با اُدات تأکید «ان و ل» (همانا و قطعاً) و همچنین ضمیر جمع «نا» و وصف جمع «حافظون» (نگهبان)، از نگرهبانی از قرآن و حفظ قطعی آن پس از نزول می‌گوید. نحوه بیان این عبارت نیز هر نوع تردید در این باره را می‌زداید. حفظ قرآن در این آیه به‌طور مطلق و بدون هیچ قیدی آمده است، بنابراین، حفظ آن را از هر نوع تحریفی (اسقاط، تغییر و ...) بیان می‌کند. و این بهترین صورت حفاظت از قرآن است که خداوند بر عهده گرفته است.<sup>۱</sup>

وجه استدلال به آیه شریفه برای رد اتهام متفاوت بودن قرآن شیعیان، این است که قرآنی که خداوند، وعده حفظ آن را داده است؛ یا همین قرآن در دسترس بشر است و یا قرآنی است که به ادعای بدخواهان، نزد شیعه است. اگر این قرآن در دسترس مقصود است، لزوماً آن قرآن، باطل است و اگر آن قرآن مقصود است، پس این قرآن در دسترس، باطل است؛ زیرا خداوند متعال، بی‌شک دو قرآن نازل نفرموده است و عقل حکم می‌کند که همین قرآن در دسترس، مقصود و محفوظ الهی باشد؛ زیرا فلسفه نزول قرآن، هدایت بشر است: ﴿هُدًى لِّلنَّاسِ﴾ (بقره: ۱۸۵)؛ و اگر قرآن در دسترس بشر نباشد، نمی‌تواند بشر را هدایت نماید. همچنین، اگر این قرآن، همان قرآن محفوظ نباشد، پس معجزه جاوید نیست و در این صورت، در معرض آسیب است، یعنی امکان در معرض نقض و اشکال واقع شدن و یا آوردن مثل آن از طرف غیر مسلمانان وجود دارد،

۱. تحریف‌ناپذیری قرآن، ص ۲۴.

درحالی که از زمان نزول قرآن تا امروز، کسی نتوانسته است، کمترین آسیبی به آن وارد نماید یا حتی سوره‌ای کوچک، مثل سوره‌های قرآن بیاورد. بنابراین وقتی قرآنی که خداوند متعال، وعده حفظ آن را داده، همین قرآن است که در دسترس همه ماست، چگونه شیعه به خود اجازه می‌دهد، به قرآنی معتقد باشد که وجود خارجی ندارد و نزدیک به افسانه است؟

### ب) آیه نفی باطل:

﴿... وَإِنَّهُ لَكِتَابٌ عَزِيزٌ لَا يَأْتِيهِ الْبَاطِلُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَلَا مِنْ خَلْفِهِ﴾ (فصلت: ۴۱-۴۲).

در حقیقت این کتابی است، شکست‌ناپذیر که هیچ‌گونه باطلی، نه پیش رو و نه از پشت سر، به سراغ آن نمی‌آید؛ چراکه از سوی خداوند حکیم و شایسته ستایش، نازل شده است.

قرآن از هر باطلی که آن را تباه سازد، مصون است و همواره تازه و شاداب می‌ماند، کهنه نمی‌شود و فانی نیست.<sup>۱</sup> بنابراین، تحریف که از مصادیق آشکار باطل است، هرگز به حریم آن راه ندارد.<sup>۲</sup>

دو وصف اول، «عَزِيزٌ» و «لَا يَأْتِيهِ الْبَاطِلُ» هر یک به طور مستقل، بیانگر عدم تحریف قرآن هستند و وصف سوم از سرچشمه راز این حقیقت، پرده بر می‌دارد؛ زیرا واژه «عزیز» به معنای شکست‌ناپذیر و نفوذناپذیر است و تحریف، نوعی شکست و نفوذپذیری است. واژه «باطل» نیز به معنای نقیض حق است. چیزی که ثبات ندارد و فساد می‌پذیرد و خداوند که می‌فرماید: «لَا يَأْتِيهِ الْبَاطِلُ»؛ «باطل به آن راه نمی‌یابد». هر نوع تغییر و تبدیلی را در قرآن نفی می‌کند؛ زیرا با توجه به اعجاز قرآن (در محتوای غنی و معارف هماهنگ و سراسر بر حق قرآن که با نظم خاص در مجموعه آیات و مفهوم

۱. سیمای عقاید شیعه، ص ۱۶۱.

۲. افسانه تحریف قرآن، ص ۱۸.



یک سوره است)، هر تغییر و تبدیلی، به محتوا، نظم و هماهنگی قرآن آسیب می‌رساند و آن را تباه می‌گرداند، اما این آیه با تعبیر ﴿مَنْ بَيْنَ يَدَيْهِ وَلَا مِنْ خَلْفِهِ﴾ (از پیش رو و از پشت سر) به‌طور کل در هر زمان و از هر جهت، چنین امری را منتفی می‌داند.

جمله آخر این آیه، این نکته را بیان می‌کند که قرآن، تحریف و تغییر نمی‌پذیرد؛ زیرا از سوی خداوند حکیم و ستوده نازل شده است. خداوندی بهره‌مند از همه کمال‌ها که کارهایش هدف‌دار و بی‌نقص است. از این رو تحریف قرآن، نقض غرض است و با حکمت خداوند ناسازگاری دارد.

مجموع تعابیر این دو آیه روشن می‌کند که صیانت قرآن از هر تغییر و تحریف، هم از درون - از نظر عزیز بودن و نفوذناپذیری - و هم از برون - به دلیل حفاظت خداوند - تضمین شده است.<sup>۱</sup>

وجه استدلال به این آیه شریفه برای نفی اتهام متفاوت بودن قرآن شیعیان، نیز مانند استدلال به آیه قبل است. در ادامه نیز - چون بنابر اختصار است - تنها آیات را می‌آوریم و از بیان وجه استدلال صرف نظر می‌کنیم.

ج) آیه جمع و قرائت قرآن: ﴿لَا تُحَرِّكْ بِهِ لِسَانَكَ لِتَعْجَلَ بِهِ إِنَّ عَلَيْنَا جَمْعَهُ وَقُرْآنَهُ فَإِذَا قَرَأَهُ فَاتَّبِعْ قُرْآنَهُ ثُمَّ إِنَّ عَلَيْنَا بَيَانَهُ﴾ (قیامت: ۱۶)؛ در این آیه شریفه، خداوند جمع، حفظ و توضیح قرآن را برعهده می‌گیرد و چیزی که حفاظت از آن را خدای متعال برعهده بگیرد، برای همیشه محفوظ است.<sup>۲</sup>

د) آیه شکایت پیامبر ﷺ از مهجور ماندن قرآن: ﴿وَقَالَ الرَّسُولُ يَا رَبِّ إِنَّ قَوْمِي اتَّخَذُوا هَذَا الْقُرْآنَ مَهْجُورًا﴾؛ «و پیغمبر [در روز رستاخیز] می‌گوید: ای پروردگار من! قوم من این قرآن را کنار نهادند» (فرقان: ۳۰).

۱. تحریف‌ناپذیری قرآن، ص ۲۴.

۲. سیمای عقاید شیعه، ص ۱۶۲.

شیکوه از مهجور ماندن قرآن، وقتی معنا دارد که این کتاب هدایتگر از هر نوع تحریف و تبدیلی مصون بماند و انسان تا روز قیامت با چنگ زدن به آن، نجات یابد.<sup>۱</sup>

ه) آیات بیان‌کننده هدایت‌گری قرآن برای متقین و همه انسان‌ها: ﴿ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ﴾ «این کتاب که در آن هیچ نقطه ابهامی نیست، راهنمای کسانی است که تقوای فطری خود را دارند» (بقره: ۵) و نیز ﴿شَهْرَ رَمَضَانَ الَّذِي أُنزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ هُدًى لِّلنَّاسِ وَبَيِّنَاتٍ مِّنَ الْهُدَىٰ وَالْفُرْقَانِ﴾ (بقره: ۱۸۵).

اینکه قرآن تا روز قیامت، تقواییشان و دیگر انسان‌ها را هدایت می‌کند، نشان‌دهنده آن است که از تحریف، محفوظ است.

و) آیه اراده الهی بر اتمام نور خود:

﴿يُرِيدُونَ أَن يُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَيَأْبَى اللَّهُ إِلَّأ أَن يَتِمَّ نُورُهُ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ﴾  
(توبه: ۳۲)

می‌خواهند نور خدا را با دهن‌های خود خاموش کنند، و خدا نمی‌گذارد و دست بر نمی‌دارد تا آنکه نور خود را به کمال و تمامیت برساند، هر چند کافران کراهت داشته باشند.

تمام و کامل بودن نور الهی (قرآن)، با تحریف آن سازگاری ندارد.

ز) آیه نذیر:

﴿تَبَارَكَ الَّذِي نَزَّلَ الْفُرْقَانَ عَلَىٰ عَبْدِهِ لِيَكُونَ لِلْعَالَمِينَ نَذِيرًا﴾ (فرقان: ۱).

بزرگ و لایق بزرگی است، آن خدایی که این فرمان را به بنده خویش نازل کرد تا پیام‌رسان جهانیان باشد.

نذیر بودن پیامبر اکرم ﷺ به کمک قرآن کریم برای همه انسان‌ها، مشروط به تحریف نشدن قرآن است.

۱. تحریف‌ناپذیری قرآن، ص ۲۷.

ح) آیه تمثیل حق و باطل:

﴿كَذَلِكَ يَضْرِبُ اللَّهُ الْحَقَّ وَالْبَاطِلَ فَأَمَّا الزَّبَدُ فَيَذْهَبُ جُفَاءً وَأَمَّا مَا يَنْفَعُ النَّاسَ فَيَمْكُثُ فِي الْأَرْضِ كَذَلِكَ يَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَالَ﴾ (رعد: ۱۷).

خدا حق و باطل را چنین مثل می‌زند، و اما کف به کنار افتاده نابود می‌شود، ولی چیزی که به مردم سود می‌دهد، در زمین می‌ماند، خدا مثل‌ها را چنین می‌زند. اینکه قرآن کریم پس از هزار و چهار صد سال، برای بهره‌مندی انسان‌ها از آن، چنین با طراوت مانده است و مانند کتاب‌های دیگر فراموش نشده یا استفاده آن به حداقل نرسیده است، نشان‌دهنده حقانیت آن است.

ط) آیه غلبه یافتن دین حق:

﴿هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ﴾ (توبه: ۳۳).

اوست که پیغمبرش را با هدایت و دین حق فرستاده تا آن را بر همه دین‌ها غلبه دهد، اگر چه مشرکان کراهت داشته باشند. پیروزی رسول اکرم ﷺ بر دیگر ادیان، چه به لحاظ معنوی، یعنی از نظر برهان و منطقی و برنامه‌های سعادت‌بخش و چه از نظر ظاهری، یعنی برقراری حکومت جهانی و عدالت‌گستر مهدی موعود ﷺ، به یاری قرآن امکان‌پذیر است و قرآن زمانی بر دیگر ادیان غلبه می‌کند که باطل در آن راه پیدا نکند و به کم و زیاد، تحریف نشده باشد.

ی) آیه اتمام حجت:

﴿رُسُلًا مُّبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ لِقَلَّ يُكُونُ لِلنَّاسِ عَلَى اللَّهِ حُجَّةٌ بَعْدَ الرُّسُلِ وَكَانَ اللَّهُ عَزِيزًا حَكِيمًا﴾ (نساء: ۱۶۵).

به فرستادگانی نویدبخش و بیم‌رسان وحی کردیم تا مردم بر ضد خدا دستاویزی نداشته باشند. آری، عزت و حکمت، وصف خدا است.

خداوند در دوره خاتمیت تنها با قرآن کریم، که معجزه جاودان پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ است، با بندگانش اتمام حجت می‌کند. بدیهی است که اگر قرآن تحریف شده باشد، این امکان از بین می‌رود و حال آنکه محال است، خداوند در مقطعی از زمان، حجت بر بندگان نداشته باشد.

## ۲. دلایل روایی

### الف) احادیث نبوی

#### یک - حدیث ثقلین

إِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ الثَّقَلَيْنِ كِتَابَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَعِزَّتِي أَهْلَ بَيْتِي أَلَا وَهُمَا الخُلَفَاءُ مِنْ بَعْدِي ...<sup>۱</sup>

من دو چیز گران‌بها در میان شما می‌گذارم، یکی کتاب خدای عزوجل و دیگری خاندانم؛ این دو جانشینان بعد از من هستند.

و در روایت دیگر آمده است: «مَا إِنْ تَمَسَّكْتُمْ بِهَا لَنْ تَضَلُّوا»؛ «تا زمانی که به آن دو تمسک نمائید، گمراه نمی‌شوید».<sup>۲</sup>

هر دو تعبیر (خلافت و وجوب تمسک)، آشکارا تحریف‌ناپذیری قرآن و عصمت اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَام را بیان می‌کنند؛ زیرا مسلم است که خلیفه باید صفات و ویژگی‌های مستخلف عنه را داشته باشد تا بتواند مسئولیت‌های او را به خوبی انجام دهد و از جمله ویژگی‌های پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، مقام عصمت مطلق ایشان است.

وجه استدلال به حدیث برای رفع اتهام متفاوت بودن قرآن شیعه، مانند همان

۱. الأُمّالی، محمد بن علی ابن بابویه صدوق، ص ۴۵۱.

۲. ر.ک: المستدرک علی الصحیحین، الحاکم النیسابوری، ج ۳، ص ۱۶۰؛ فضائل الصحابه، احمد بن محمد بن حنبل، ج ۲، ص ۷۷۹.

استدلالی است که برای آیه شریفه حفظ ﴿...إِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ﴾ (حجر: ۹) بیان گردید؛ زیرا خطاب پیامبر اکرم ﷺ به امت است و از تعبیر «فیکم» آشکار می‌شود که این دو وجود گراندتر باید در بین امت و در دسترس باشند تا مردم از وجود مقدس آنها بهره‌مند شوند و هدایت گردند. خداوند متعال نیز با در دسترس بودن قرآن در جامعه، ﴿لَقَلَّأ يَكُونُ لِلنَّاسِ عَلَى اللَّهِ حُجَّةٌ﴾ (نساء: ۱۶۵) با مردم اتمام حجت می‌کند. در حالی که وهابی‌ها ادعا می‌کنند که قرآن شیعه، دور از دسترس همه، حتی خود شیعیان است.

دو- حدیث فتن

«قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: إِذَا تَبَسَّتْ عَلَيْكُمُ الْفِتْنُ كَقَطْعِ اللَّيْلِ الْمُظْلِمِ فَعَلَيْكُمْ بِالْقُرْآنِ فَإِنَّهُ شَافِعٌ مُشَفِّعٌ وَ مَاحِلٌ مُصَدِّقٌ وَ مَنْ جَعَلَهُ أَمَامَهُ قَادَهُ إِلَى الْجَنَّةِ وَ مَنْ جَعَلَهُ خَلْفَهُ سَاقَهُ إِلَى النَّارِ»<sup>۱</sup>

هنگامی که فتنه‌ها چون پاره‌های شب تار شما را فراگرفت پس بر شما باد به پناه بردن به قرآن؛ زیرا ... هر کس قرآن را پیشوای خود قرار دهد، او را به بهشت رهنمون می‌شود، و هر کس آن را پشت سراندازد، او را به جهنم سوق دهد. این حدیث ارزشمند، آشکارا تحریف‌ناپذیری قرآن را بیان می‌کند؛ زیرا پناه بردن به قرآن و پیشوای خود قرار دادن آن، هنگامی میسر است که قرآن در دسترس همه و تحریف و تغییرناپذیر باشد.

سه - قرآن میزان حق و باطل

«قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: إِنَّ عَلَى كُلِّ حَقٍّ حَقِيقَةً وَ عَلَى كُلِّ صَوَابٍ نُورًا فَمَا وَافَقَ كِتَابَ اللَّهِ فَخُذُوهُ وَ مَا خَالَفَ كِتَابَ اللَّهِ فَدَعُوهُ»<sup>۲</sup>

۱. ر.ک: الاربعون الودعانية، ابن ودعان، ج ۱، ص ۱۱؛ وسائل الشیعه، محمد بن حسن شیخ حر عاملی، ج ۶، ص ۱۷۱.

۲. کافی، محمد بن یعقوب بن اسحاق کلینی، ج ۱، ص ۱۷۲.

بر هر حقی، حقیقتی است و بر هر درستی نوری. آنچه را که موافق کتاب خداست، بپذیرید و آنچه را مخالف کتاب خداست، واگذارید.

«قال رسول الله ﷺ: وَإِنَّهُ سَيَفْشُوا عَنِّي أَحَادِيثُ فَمَا آتَاكُمْ مِنْ حَدِيثِي فَأَقْرءُوا كِتَابَ اللَّهِ، وَأَعْتَبِرُوا فَمَا وَافَقَ كِتَابَ اللَّهِ فَأَنَا قُلْتُهُ، وَمَا لَمْ يُوَافِقْ كِتَابَ اللَّهِ فَلَمْ أَقُلْ».<sup>۱</sup>

به زودی از من احادیث فراوان نقل می‌شود، پس هر سخنی که از من به شما رسید، بر قرآن عرضه کنید، اگر موافق کتاب الهی بود، من آن را گفته‌ام و اگر موافق قرآن نبود، گفته من نیست.

بی‌شک، زمانی قرآن می‌تواند معیار سنجش حق از باطل باشد که در دسترس همه و تحریف نشده باشد؛ زیرا ترازوی دستکاری شده نمی‌تواند وزن حقیقی اشیاء را نشان دهد.

(ب) احادیث اهل بیت (علیهم‌السلام)

یک - خطبه‌ها و نامه‌های امیرالمؤمنین (علیه‌السلام)

سخنان آن حضرت درباره قرآن بیش از گنجایش این نوشته است، از این رو در اینجا تنها به دو مورد اشاره می‌شود:

اول - «عَلَيْكُمْ بِكِتَابِ اللَّهِ فَإِنَّهُ الْحَبْلُ الْمَتِينُ وَالنُّورُ الْمُبِينُ وَالشَّمَاءُ النَّافِعُ وَالرِّيُّ النَّافِعُ وَالْعِصْمَةُ لِلْمُتَمَسِّكِ وَالنَّجَاةُ لِلْمُتَعَلِّقِ لَا يَمُوجُ فَيَقَامُ وَلَا يَزِيغُ فَيُسْتَعْتَبُ وَلَا تُخْلِقُهُ كَثْرَةُ الرَّدِّ وَوُلُوجِ السَّمْعِ مَنْ قَالَ بِهِ صَدَقَ وَمَنْ عَمِلَ بِهِ سَبَقَ».<sup>۲</sup>

بر شما باد به کتاب خدا، که ریسمان استوار است، و نور آشکار است، و درمانی است سوددهنده، و تشنگی را فرونشاندند. چنگ درزننده را نگهدارنده، و در آویزنده را نجات

۱. المعجم الكبير، سليمان بن احمد الطبراني، ج ۱۲، ص ۳۱۶.

۲. نهج البلاغه، خطبه ۱۵۶.

بخشنده. نه کج شود، تا راستش گردانند، و نه به باطل گراید تا آن را برگردانند. کهنه نگردد به روزگار، نه از خواندن و نه از شنیدن بسیار. راست گفت آن که سخن گفت از روی قرآن و آنکه بدان رفتار کرد، پیش افتاد از دیگران.

دوم- «أَنَّ عَلِيًّا عَلَيْهِ السَّلَامُ لَمَّا أُنْسَلِحَ الْمُحَرَّمُ أَمَرَ مَرْثَدَ بْنَ الْحَارِثِ الْجُشَمِيَّ فَنَادَى عِنْدَ غُرُوبِ الشَّمْسِ: يَا أَهْلَ الشَّامِ أَلَا إِنَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ يَقُولُ لَكُمْ: ... وَ احْتَجَجْتُ عَلَيْكُمْ بِكِتَابِ اللَّهِ وَ دَعَوْتُكُمْ إِلَيْهِ فَلَمْ تَتَنَاهَوْا عَن طُغْيَانٍ وَ لَمْ تُجِئُوا إِلَيَّ حَقًّا»<sup>۱</sup>.

چون ماه محرم به پایان رسید، حضرت علی (ع) مرثد بن حارث جشمی را به نزد سپاه شام فرستاد، نزدیک غروب خورشید بود که مرثد سپاه شام را اینگونه خطاب کرد: ای مردم شام! امیرالمؤمنین (ع) فرمودند: ... آیا من شما را به کتاب خدا فراخواندم و با آن بر شما احتجاج نکردم؟ اما شما از طغیان و سرکشی باز نایستادید و حق را اجابت نکردید.

حضرت برای قرآن اوصافی چون: «ریسمان استوار»، «نور آشکار»، «درمان کننده»، «نجات بخشنده»، «نگهدارنده»، «چنگ زنده را نگهدارنده» و ... به کار می‌برند. بی‌شک قرآنی که واجد این صفات است از تحریف و تغییر مصون است و همه مسلمانان زمان حضرت و قرن‌های آینده به آن دسترسی دارند، نه قرآنی که به ادعای وهابیان در گنجینه‌ای مخفی نزد امامان شیعه است و کسی از آن خبر ندارد.

در روایت دوم، فرمایش حضرت در اثبات مطلب، آشکارتر است؛ زیرا خطاب به شامیانی است که به جنگ با حضرت آمده‌اند، پس حضرت با اهل شام از قرآنی حجت می‌آورد که آنها هم آن را قبول کنند، نه با مصحف خود یا صحیفه حضرت زهرا (ع) که وهابیان مدعی هستند، قرآن شیعیان این دو صحیفه است.

وقتی که شامیان با نقشه عمرو بن عاص قرآن‌ها را بر نیزه کردند و ساده لوحان لشکر امیرمؤمنان (ع) این حرکت آنان را پیشنهاد صادقانه صلح دانستند، حضرت نفرمودند که

۱. وقعة صفین، نصر بن مزاحم، ص ۲۰۳.

این قرآن بر نیزه‌ها، واقعی نیست و قرآن واقعی پیش ما اهل بیت است، بلکه فرمودند این نقشه و نیرنگی در کار است و قرآن بهانه‌ای بیش نیست.

دو- احادیث سایر معصومین علیهم‌السلام

این دسته از احادیث نیز فراوان است و در اینجا تنها به چند نمونه (شاهد بر مطلب) اشاره می‌شود:

اول: **خطبه فدکیه** زهرای مرضیه علیها‌السلام که بخش زیادی از آن ویژگی‌های قرآن را بیان می‌کند.<sup>۱</sup>

دوم: پس از قرآن، کهن‌ترین سند تاریخی که امروزه وجود دارد و با بیان صفات و ویژگی‌های قرآن، بر سلامت این کتاب گواهی می‌دهد، فرازهایی از دعاهای زبور آل محمد، **صحیفه سجادیه** است.<sup>۲ و ۳</sup>

سوم: **عرضه احادیث بر قرآن**: روایات بسیاری از ائمه علیهم‌السلام نقل شده است. ایشان می‌فرمایند: «روایات را بر قرآن عرضه کنید، آنچه را موافق قرآن است، بپذیرید و مخالف آن را رد کنید». «شیخ حرّ عاملی» آنها را در باب نهم از ابواب صفات قاضی در «وسائل الشیعه» گردآورده است.<sup>۴</sup>

قابل توجه است که احادیث «عَرَضُ الْأَخْبَارِ عَلَى كِتَابِ اللَّهِ» (ارائه کردن احادیث بر کتاب خدا)، دو گروه مستقل‌اند. گروهی از این احادیث به صورت مطلق فرمان می‌دهند که هر نوع خبر و اندیشه‌ای را باید با قرآن مطابقت دهیم و آنچه را با قرآن موافق نیست، کنار بگذاریم. گروهی دیگر از این احادیث، در مقام علاج اخبار متعارض

۱. بلاغات النساء: احمد بن ابی طاهر، ص ۲۵؛ «هذا كتاب الله بين أظهركم وزواجره بيته وشواهده لائحة وأوامره واضحة أرغبه عنه تدبرون، أم بغره تحكمون»؛ «بِشِّ لِلظَّالِمِينَ بَدَلًا وَمَنْ يَتَّبِعْ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ وَهُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ».

۲. تحریف‌ناپذیری قرآن، ص ۱۹.

۳. الصحیفه السجادیه: ۴۲؛ «وَكَانَ مِنْ دُعَائِهِ عليه‌السلام عِنْدَ حَتْمِ الْقُرْآنِ: اللَّهُمَّ إِنَّكَ أَعْتَنِي عَلَى حَتْمِ كِتَابِكَ الَّذِي أَنْزَلْتَهُ نُورًا، وَجَعَلْتَهُ مُهَيِّمًا عَلَى كُلِّ كِتَابٍ أَنْزَلْتَهُ، وَفَضَّلْتَهُ عَلَى كُلِّ حَدِيثٍ فَصَّصْتَهُ...».

۴. وسائل الشیعه، ج ۲۷، ص ۱۰۶.



هستند و دستور می‌دهند که هر دو دسته اخبار متعارض را به قرآن عرضه کنید و آن را که موافق قرآن است، نگاه دارید و باقی را رد کنید.<sup>۱</sup>

آنچه از این دو گروه برداشت می‌شود، آن است که قرآن معیاری درست و مصون از تغییر، تحریف و تصرف است و قول به تحریف، با باور به سلامت قرآن، که معیار است، سازگار نیست. همچنین، مخالفت و عدم مخالفت با قرآن هم، زمانی آشکار می‌گردد که همه سوره‌ها و اجزای قرآن نزد ما موجود باشد، و گرنه ممکن است، حدیث، مخالف با چیزی از قرآن باشد که ساقط یا تحریف شده است<sup>۲</sup> و دیگر آنکه کسانی که برای اثبات تحریف قرآن به برخی از روایات (ضعیف) استدلال می‌کنند، در واقع با این نوع از روایات (متواتر)، مخالفت می‌ورزند.<sup>۳</sup> البته مناقشات تحریف‌گرایان در این اخبار، ثمری جز سردرگمی و تناقض‌گویی آنان ندارد.<sup>۴</sup>

چهارم: امام باقر علیه السلام در بخشی از نامه‌ای به یکی از یاران خود، به نام «سعدالخیبر» چنین می‌نگارند:

«وَكَانَ مِنْ نَبَذِهِمُ الْكِتَابَ أَنْ أَقَامُوا حُرُوفَهُ وَحَرَفُوا حُدُودَهُ فَهُمْ يَرُؤُونَهُ وَلَا يَرِعُونَهُ»<sup>۵</sup>

از جمله بی‌اعتنایی آنان به قرآن، این است که الفاظ قرآن را به پاداشتند، ولی حدود و معارفش را تحریف کردند.

از عبارت امام علیه السلام آشکار می‌گردد که در الفاظ قرآن تحریفی صورت نگرفته است؛ چون می‌فرمایند که الفاظ قرآن را به پا داشتند - کنایه از اینکه حفظ کردند - هر چند آنان احکام قرآن را تغییر دادند و دستوراتش را تباه ساختند.<sup>۶</sup>

۱. تحریف‌ناپذیری قرآن، ص ۴۰.

۲. سیمای عقاید شیعه، ص ۱۶۴.

۳. افسانه تحریف قرآن، ص ۲۰.

۴. تحریف‌ناپذیری قرآن، ص ۴۲.

۵. الکافی، محمد بن یعقوب بن اسحاق کلینی، ج ۱۵، ص ۱۴۱.

۶. صیانة القرآن من التحريف، آیت‌الله معرفت، ص ۵۰.

پنجم: روایات بی‌شماری در ابواب گوناگون فقهی، مانند احادیث «باب درخواست شفا از قرآن»، «باب توسل به قرآن»، «باب حفظ و از بر کردن قرآن»، «باب آداب تلاوت قرآن»، «باب سوگند به قرآن»، «ثواب تلاوت سوره‌ها» و ابواب دیگری که هر یک، ده‌ها روایت را در بردارند.<sup>۱</sup>

مجموع این احادیث مروی از امامان معصوم شیعه علیهم‌السلام نشان می‌دهد که آن بزرگواران، همین قرآن موجود و در دسترس مسلمانان را قرآن نازل بر رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم می‌دانستند، نه قرآنی دیگر را.

### ۳. دلیل عقلی

**دلیل اول:** این دلیل به همراه چند مقدمه زیر، سلامت قرآن از تحریف را اثبات می‌کند:

الف) خداوند حکیم قرآن را برای هدایت بشر فرستاد؛  
 ب) این کتاب آخرین کتاب آسمانی و آورنده آن نیز، آخرین فرستاده خداست؛  
 ج) اگر این کتاب تحریف شده باشد، کتاب آسمانی یا پیامبر دیگری راه درست را به انسان نشان نمی‌دهد و در نتیجه بشر به بیراهه می‌رود، بی‌آنکه مقصر باشد؛  
 د) این گمراهی با ساحت مقدس الهی، ناسازگار و مخالف حکمت الهی در هدایت بشر است.

در نتیجه قرآن باید از هر نوع تغییر و تحریفی مصون باشد.<sup>۲</sup>  
**دلیل دوم:** آیات قرآن به هم پیوسته و مرتبطند: «وَلَقَدْ وَصَّلْنَا لَهُمُ الْقَوْلَ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ» (قصص: ۵۱)؛ «و به تحقیق که ما قرآن را پیوسته فرستادیم، باشد که متذکر شوند».  
 کلمه «وصلنا» از باب تفعیل و از ماده وصل است و وصل در باب تفعیل، کثرت را

۱. تحریف‌ناپذیری قرآن، ص ۳۰.

۲. تحریف‌ناپذیری قرآن، ص ۳۴؛ به نقل از: قرآن در قرآن، عبدالله جوادی آملی، ص ۳۱۵.

می‌رساند؛ مانند قطع که به معنای بریدن و تقطیع به معنای بسیار بریدن است. پس معنای آیه این است که ما قرآن را که اجزایی متصل به هم دارد، بر آنان نازل کردیم؛ قرآنی که آیه‌ای بعد از آیه، سوره‌ای به دنبال سوره دیگر، وعده و وعید، معارف، احکام، قصص، عبرت‌ها، حکمت‌ها و موعظه‌هایی پیوسته به هم دارد.<sup>۱</sup>

خداوند در قرآن فرموده است: ﴿اللَّهُ نَزَّلَ أَحْسَنَ الْحَدِيثِ كِتَابًا مُتَشَابِهًا مَثَانًا﴾ (زمر: ۲۳)؛ «خداوند بهترین سخن را نازل کرد، کتابی [که آیاتش] شبیه به یکدیگر و منعطف به یکدیگرند». و در احادیث نیز آمده است که آیات قرآن یکدیگر را تصدیق می‌کنند<sup>۲</sup> و پاره‌ای با پاره دیگر سخن می‌گویند و بر هم گواهی می‌دهند.<sup>۳</sup> بنابراین، اگر به بخشی از این بنای به هم پیوسته خللی وارد شود، به تمام آن سرایت می‌کند.<sup>۴</sup>

**دلیل سوم:** مجموعه‌ای از قرائن تاریخی و اجتماعی است که همگی بی‌اساس بودن اتهام و هابیون را اثبات می‌کنند:

۱. حافظه شگرف عرب‌های هم‌دوره با نزول قرآن و علاقه فراوان آنان به حفظ و قرائت آن.
۲. تقدس قرآن نزد مسلمانان و حساس بودن آنان نسبت به هرگونه تغییر در آن.
۳. دستورات ویژه پیامبر ﷺ درباره تلاوت، کتابت، حفظ و جمع‌آوری قرآن.
۴. مطرح نشدن مسئله تحریف قرآن در ضمن انتقاداتی که از سوی صحابه و ائمه اهل بیت علیهم‌السلام به خلفا شده است.
۵. استدلال و تمسک به آیات قرآن در مناظره‌ها و سخنرانی‌های ائمه معصومین

شیعه علیهم‌السلام.

۱. ترجمه المیزان، ترجمه: سید محمدباقر موسوی همدانی، ج ۱۶، ص ۷۵.

۲. نهج البلاغه، خطبه ۱، ص ۴۴ و ۴۵.

۳. همان، خطبه ۱۳۳، ص ۱۹۲.

۴. تحریف‌ناپذیری قرآن، ص ۱۷۴.

۶. ارائه ندادن هیچ گونه سند، مدرک و نمونه از قرآن ادعایی که وهابیان به شیعه نسبت می دهند.

۷. ادعای وهابیان صادقانه نیست؛ زیرا دست‌کم در دنیای امروز که سفر به تمام نقاط جهان به راحتی و به سرعت امکان‌پذیر است، آنها می‌توانند گروه‌های تحقیق آشکار و نهان خود را به ایران و دیگر کشورهای شیعه‌نشین اعزام کنند تا با حضور در مجالس عمومی و خصوصی شیعیان، مشاهده کنند که قرآنی که شیعیان در محضرش هستند، با آن مأنوس‌اند، آن را تلاوت، حفظ و تفسیر می‌کنند، همان قرآنی است که همه مسلمانان در محضرش هستند.

۸. ماجرای واقعی حافظ قرآن شدن «کربلایی کاظم ساروقی علیه السلام» پیرمرد بی‌سواد، اما با اخلاص و با صفای اراکی - که معجزه قرن قرآن کریم و ولایت است - نشان‌دهنده آن است که قرآن موجود، همان قرآن نازل شده بر قلب مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله است و هیچ‌گونه زیاد یا کم‌شدنی در آن رخ نداده است؛ زیرا اگر قرآن واقعی غیر از قرآن موجود بود، به یقین آن قرآن در حافظه کربلایی کاظم قرار می‌گرفت.<sup>۱</sup>

#### ۴. اجماع علمای شیعه امامیه

کاوش در سخنان علمای بزرگ شیعه نشان می‌دهد که آنها به تحریف باور نداشتند و اندیشه تحریف را به «خبر واحد» نسبت می‌دادند.<sup>۲</sup> از آنجا که نقل سخنان آنان در این

۱. معجزه حافظ قرآن شدن کربلایی کاظم ساروقی علیه السلام را مراجع و علمای بزرگ آن زمان تأیید کردند و در نشریات وقت، انعکاس گسترده یافت. نک:

- کربلایی کاظم سند عدم تحریف قرآن است، ناصر رفیعی.
- امام زمان علیه السلام و کربلایی کاظم (قدمگاه صاحب‌الزمان علیه السلام)، ابوالفضل سبزی، حجت‌الله سبزی.
- تجلی قرآن و عترت در حافظ قرآن شدن کربلایی کاظم ساروقی و سرداران رشید اسلام، محسنی گرکانی.
- داستان حافظ قرآن شدن کربلایی کاظم، اسماعیل کریمی.
- داستان کربلایی کاظم و حافظ قرآن شدن او در یک لحظه، مؤسسه در راه حق.
- کربلایی کاظم: مرد بیسوادى که ناگهان حافظ قرآن کریم شد، ابوالفتح دعوتی.
- کربلایی کاظم: «معجزه ولایت»، نجم‌السادات طباطبایی.

۲. سیمای عقاید شیعه، ص ۱۶۷.

نوشتار مختصر، ممکن نیست و گردآوری آنها کتاب مستقلی می‌شود، به اسامی و کتب برخی از آنها در پاورقی اشاره می‌شود.<sup>۱</sup>

و بسیاری دیگر از علمای شیعه که همگی تواتر اخبار، اجماع علما و ضرورت دین و مذهب بر تحریف‌ناپذیری قرآن موجود را بیان نموده‌اند.<sup>۲</sup>

۱. فضل‌بن‌شاذان نیشابوری (متوفای ۲۶۰ ق)، الايضاح، ص ۲۱۷؛ ۲. مرحوم صدوق (متوفای ۳۸۱ ق)، اعتقادات صدوق، ص ۹۳؛ ۳. شیخ مفید (متوفای ۴۱۳ ق)، اوائل المقالات، ص ۵۳ و ۵۴؛ ۴. سید مرتضی (متوفای ۴۳۶ ق)، مجمع‌البیان، ج ۱، ص ۱۰، به نقل از المسائل الطرابلسیه؛ ۵. شیخ طوسی (متوفای ۴۶۰ ق)، تبیان، ج ۱، ص ۳؛ ۶. مرحوم طبرسی (متوفای ۵۴۸ ق)، مجمع‌البیان، ج ۱، ص ۱۰؛ ۷. سید بن طاووس حلی (متوفای ۶۶۴ ق)، سعدالسعود، ص ۱۴۴؛ ۸. علامه حلی (متوفای ۷۲۶ ق)، اجوبه المسائل المهنائیه، ص ۱۲۱؛ ۹. محقق اردبیلی (متوفای ۹۹۳ ق)، مجمع الفائدة والبرهان، ج ۲، ص ۲۱۸؛ ۱۰. قاضی نورالله شوشتری (متوفای ۱۰۲۹ ق)، آلاء الرحمن، ج ۱، ص ۲۵ (ر.ک: سیمای عقائد شیعه، ص ۱۶۷ - ۱۷۰)؛ ۱۱. ملامحسن، معروف به فیض کاشانی متوفای سال ۱۰۹۱، تفسیر صافی، ج ۱، ص ۵۱؛ ۱۲. محمد بهاء‌الدین عاملی معروف به شیخ بهائی، تفسیر آلاء الرحمن، ص ۲۶؛ ۱۳. شیخ محمد بن حسن حر عاملی، در اظهار الحق رحمت الله هندی، ص ۱۲۹؛ ۱۴. زین‌الدین بیاضی، اظهارالحق، ج ۳، ص ۱۳۰؛ ۱۵. قاضی سید نورالله تستری، در الاء الرحمن شیخ مجاهد بلاغی، ص ۲۵ و ۲۶ به نقل از مصائب نواصب و اظهار الحق، ج ۲، ص ۱۲۹؛ ۱۶. مقدس بغدادی، در شرح وافی؛ ۱۷. کاشف الغطاء، کشف الغطاء عن مبهمات الشریعة الغراء؛ ۱۸. سید مهدی طباطبایی معروف به بحرالعلوم، فوائدالاصول یا باب حجیت کتاب؛ ۱۹. آیه الله کوه‌کمری، در بشری الاصول؛ ۲۰. مرحوم سید محسن امین عاملی، اعیان الشیعه؛ ۲۱. ملا فتح‌الله کاشانی صاحب تفسیر منهج‌الصادقین؛ ۲۲. میرزا حسن آشتیانی در کتاب بحر الفوائد؛ ۲۳. استاد مامقانی در کتاب تنقیح المقال؛ ۲۴. شیخ محمد نهایندی در نفحات‌الرحمن؛ ۲۴. سید علی نقی هندی در مقدمه کتاب تفسیرالقرآن؛ ۲۵. سید محمد مهدی شیرازی؛ ۲۶. آیه الله سید شهاب‌الدین مرعشی نجفی؛ ۲۷. سید عبدالحسین شرف‌الدین عاملی در اجوبه مسائل موسی جار الله؛ ۲۸. عبدالرحیم تبریزی، آلاء‌الرحیم؛ ۲۹. عبدالحسین رشتی حائری، کشف‌الاشتباه فی رد موسی جار الله؛ ۳۰. شیخ عبدالعالی کرکی، در آلاء الرحمن، ص ۲۶؛ ۳۱. شیخ آقا بزرگ طهرانی، النقد‌اللطیف فی نفي التحریف، الذریعه، ج ۱۶؛ ۳۲. علامه طباطبایی در تفسیر گرانقدر المیزان ذیل آیه «إِنَّا كُنْزُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ»؛ ۳۳. آیه الله بروجردی، مع الخطیب فی خطوطه العریفه، ص ۴۹؛ ۳۴. آیه الله گلپایگانی، مع الخطیب فی خطوطه العریفه، ص ۴۹؛ ۳۵. امام خمینی (ر.ک) در کتاب کشف الاسرار (ر.ک: افسانه تحریف قرآن، ص ۱۰۲ - ۱۱۲).

۲. دانشمندان امامیه به ویژه در یک قرن اخیر و پس از تألیف فصل الخطاب میرزا حسین نوری (م. ۱۳۲۰ ق) به پژوهش‌های گسترده و همه‌جانبه‌ای در اثبات سلامت قرآن دست زده‌اند که از جمله آنها می‌توان به کتاب‌های زیر اشاره کرد:

- کشف الارتیاب فی عدم تحریف‌الکتاب، محمد بن ابی‌القاسم مشهور به معرب تهرانى.

## ۵. گواهی دیگران

الف) گواهی علمای سنی: محققانی از اهل سنت، همچون شیعه، به عدم تحریف قرآن و متفاوت نبودن قرآن شیعیان معتقدند؛ از آن جمله می‌توان به سه تن از آنان اشاره کرد:

یک - عالم بزرگ اهل سنت، «ملا رحمت‌الله هندی» می‌گوید:

«القرآن المجید عند جمهور علماء الشيعة الامامية الاثنى عشرية محفوظ عن التغير و

التبديل. و من قال منهم بوقوع النقصان فيه فقوله مردود غير مقبول عندهم».<sup>۱</sup>

→ حفظ الكتاب الشريف عن شبهة القول بالتحريف، سيد محمد حسين شهرستاني.

- تنزيه التنزيل، علی رضا حکيم خسروانی.

- الحجة علی فصل الخطاب فی ابطال القول بتحريف الكتاب، عبدالرحمان محمدی هیدجی.

- البرهان علی عدم تحريف القرآن، ميرزا مهدي بروجردي.

- آلاء الرحيم فی الردّ علی التحريف، ميرزا عبد الرحيم مدرس خيابانی.

- بحر الفوائد فی شرح الفرائد (ضمن بحث حجيت ظواهر قرآن)، ميرزا محمد حسن آشتیانی.

- آلاء الرحمن فی تفسير القرآن (مقدمه تفسير)، علامه شيخ محمد جواد بلاغی نجفی.

- نقض الوشيعة فی عقائد الشيعة (در پاسخ به اتهامات موسی جار الله)، سيد محسن امين عاملي.

- اجوبة مسائل جار الله والفصول المهمة، سيد عبدالحسين شرف‌الدين.

- الميزان فی تفسير القرآن (ذيل آيه نهم از سوره حجر)، علامه محمد حسين طباطبائی.

- البيان فی تفسير القرآن (مقدمه تفسير)، آيت‌الله سيد ابوالقاسم خویی.

- تهذيب الاصول (ضمن بحث حجيت ظواهر القرآن) و انوار الهداية از امام خمینی.

- صيانة القرآن عن التحريف، استاد محمد هادی معرفت.

- القرآن الكريم و روايات المدرستين (در ۳ جلد)، تأليف آيت‌الله سيد مرتضى عسكري.

- حقائق هامة حول القرآن الكريم، جعفر سيد مرتضى عاملي.

- التحقيق فی نفي التحريف، تأليف سيد علی ميلانی.

- سلامة القرآن من التحريف، فتح‌الله نجارزادگان؛ ر.ک: تحريف‌ناپذیری قرآن، صص ۱۷۲ و ۱۷۳.

۱. إظهار الحق، الفصل الرابع فی دفع شبهات القسيسين الواردة علی الأحاديث، ص ۳۵۱.

متأسفانه در چاپ جديد این کتاب که در سال ۱۴۱۰ ه. ق، توسط عربستان سعودی انجام شد این قسمت از متن کتاب حذف شده است، درحالی که در نسخه چاپ شده توسط اداره احیاء تراث اسلامی قطر این قسمت موجود

است. ر.ک به سایت: «قرآن و اهل بیت (علیهم‌السلام) تنها راه نجات».

نظریه جمهور علماء شیعه امامیه اثنی عشریه این است که قرآن مجید، از تغییر و تبدیل محفوظ است و کسی که بگوید در قرآن کم و کسری پیدا شده، حرفش پیش علمای شیعه مردود است و کسی آن را نمی‌پذیرد.

دو - «محمد مدینی»، رئیس دانشکده شریعت دانشگاه «الازهر» می‌نویسد:

پناه به خدا اگر گفته شود، امامیه به تحریف قرآن باور دارند. تنها روایاتی از این دست در کتاب‌های آنهاست؛ همان طور که در کتاب‌های ما هم هست؛ روایاتی که اهل تحقیق از هر دو فریق، بطلان آنها را بر ملا کرده‌اند. اگر کسی مدرکی بر صحت گفتار ما می‌خواهد، - تنها کافی است - به کتاب «تقان سیوطی» رجوع کند، وی در این کتاب - بخشی از این - روایات موهم به تحریف را گردآورده است ...<sup>۱</sup>

سه - «شیخ احمد الطیب»، شیخ الازهر مصر، در تیرماه ۱۳۹۲، به صورت رسمی اعلام کرد که قرآن شیعیان همین قرآن موجود است. وی تصریح کرد:

آن‌طور که شایعه می‌کنند، شیعیان قرآن دیگری ندارند. اگر شیعیان قرآن دیگری داشتند، از دید مستشرقین مخفی نمی‌ماند و آنها این مطلب را اعلام می‌کردند.<sup>۲</sup>

ب) **گواهی مستشرقین:** در بین مستشرقین نیز محققینی هستند که معتقدند، اتهام تفاوت قرآن شیعیان، کذب است؛ از جمله:

۱. «گارسن دی تاسی» در مجله آسیایی، متن عربی و ترجمه سوره نورین را به زبان فرانسه منتشر کرد. وی منبع این سوره را اثری فارسی از قرن هفدهم میلادی (یازدهم قمری) به نام «دبستان مذاهب»، نوشته یک ایرانی زردشتی ساکن هند، ذکر می‌کند.<sup>۳</sup>

۱. تحریف‌ناپذیری قرآن، ص ۹۳.

۲. سایت: شیعه ویوز. [shiawaves.com/.../1094](http://shiawaves.com/.../1094)

۳. ر.ک: تحریف‌ناپذیری قرآن، ص ۱۸۱.

۲. «کلیرتسدال»، در ژولای ۱۹۱۳ م، در مجله «dlroW melsom ehT» درباره متن

این سوره می‌نویسد:

افرادی که با عربی آشنايند، می‌توانند جعلی بودن این دو سوره را به جز بخش‌هایی که از خود قرآن در آنها آمده، درک کنند. سبک جعلی این افزوده‌ها تقلیدی از قرآن است که هرگز موفقیت‌آمیز نیست و خطاهای نحوی نیز در آنها به چشم می‌خورد.<sup>۱</sup>

### بررسی و نقد شبهات پیرامون مصحف امام علی علیه السلام، و مصحف حضرت زهرا علیها السلام

مهم‌ترین شبهه‌ای که وهابی‌ها درباره تحریف قرآن کریم بیان می‌کنند، مسئله مصحف حضرت علی علیه السلام و صحیفه حضرت فاطمه زهرا علیها السلام است. مخالفان شیعه، مصحف امام علی علیه السلام و صحیفه حضرت زهرا علیها السلام را بهانه‌ای برای شبهه‌پراکنی گسترده خود، علیه شیعیان قرار داده‌اند. وهابیان به دیگر مسلمانان این گونه‌القاء می‌کنند که شیعیان، مصحف امام علی علیه السلام و صحیفه حضرت زهرا علیها السلام را قرآن خود می‌دانند. اینک برای رفع این شبهه اشاره‌ای مختصر به این مسئله می‌کنیم:

#### الف) مصحف امام علی علیه السلام

مصحف امام علی علیه السلام قرآنی بود که آن حضرت، پس از وفات رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم آن را گردآوری و تدوین نمودند.<sup>۲</sup>

«ابن ندیم» (متوفای ۳۸۵ ه. ق) در کتاب «فهرست» خود از علی علیه السلام نقل می‌کند که چون آن حضرت، هنگام وفات پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم رفتارهای شومی از مردم دید، سوگند یاد کرد که ردا از دوش خود بر زمین نهد تا آنکه قرآن را گرد آورد. سه روز در خانه نشست و

۱. رک: تحریف‌ناپذیری قرآن، ص ۱۸۲.

۲. همان، ص ۵۷.



قرآن را جمع کرد.<sup>۱</sup>

درباره این مصحف سه بحث اصلی وجود دارد:

- یک- اصل وجود مصحف امام علی علیه السلام در منابع شیعه و سنی؛
- دو- بررسی تفاوت ساختاری و محتوایی آن با مصحف موجود؛
- سه- نقد و بررسی شبهات و اتهاماتی که درباره آن وجود دارد.<sup>۲</sup>

یک- وجود مصحف امام علی علیه السلام در منابع شیعه و سنی

اصل وجود این مصحف، کیفیت گردآوری و محتوای آن، به شکل گسترده‌ای در منابع شیعه و سنی، بازتاب داشته است و نقصانی در سند و مدارک آن وجود ندارد.<sup>۳</sup> بلکه می‌توان ادعا کرد که حجم اخبار اهل سنت درباره این مصحف، به مراتب از اخبار شیعه بیش‌تر و سند برخی از آنها هم (از نگاه خودشان) صحیح است؛<sup>۴</sup> به برخی منابع اهل سنت که تا قرن هشتم، به این مصحف پرداخته‌اند، در پاورقی اشاره می‌کنیم.<sup>۵</sup>

۱. الفهرست، ابن الندیم، ج ۱، ص ۴۵.

۲. تحریف‌ناپذیری قرآن، ص ۵۷.

۳. برای اطلاع بیشتر درباره بررسی اسناد مصحف امام علی علیه السلام ر.ک: مجله مقالات و بررسی‌ها (دانشکده الهیات دانشگاه تهران)؛ «بررسی و نقد اسناد مصحف امام علی علیه السلام در منابع فریقین»، دفتر ۶۸، صص ۲۳ - ۴۵.

۴. ر.ک: تحریف‌ناپذیری قرآن، صص ۱۹۷ و ۲۱۰.

۵. الطبقات الكبرى، محمد بن سعد، (م ۲۳۰ هـ. ق)، ج ۲، ص ۳۲۸؛ فضائل القرآن، محمد بن ایوب بن ضریس (۲۹۴ هـ. ق)، ص ۳۶؛ تحقیق عروه بدیر، ص ۳۶؛ کتاب المصاحف، سلیمان بن اشعث (م ۳۱۶ هـ. ق)، تصحیح: آثور جفری، ص ۶۱؛ کتاب الفهرست، محمد بن اسحاق، صص ۳۱ و ۳۲؛ المصاحف ابن اُشته (م ۳۶۰ هـ. ق)، به نقل از: جلال‌الدین سیوطی، الاتقان، ج ۱، ص ۵۸؛ حلیة الاولیاء و طبقات الاصفیاء، ابو نعیم اصفهانی، (م ۴۲۰ هـ. ق)، ج ۱، ص ۶۷؛ الإستیعاب فی معرفة الاصحاب، یوسف بن عبدالبر (م ۴۶۳ هـ. ق)، تحقیق: محمد علی بجاوی، القسم الثالث، ص ۹۷۴؛ شواهدالتنزیل لقواعدالتفضیل، حاکم حسکانی (از دانشمندان قرن پنجم)، تحقیق: محمد باقر محمودی، ج ۱، ص ۳۶ و ۳۸؛ مفاتیح‌الاسرار و مصابیح‌الانوار، عبد‌الکریم شهرستانی، ج ۱، ص ۱۲۱. (وی در میان دانشمندان اهل سنت با تفصیل خبر این مصحف را آورده و از کیفیت تدوین، ارائه مصحف توسط امام به اصحاب در مسجد، عدم پذیرش آنان و احتجاج امام سخن گفته است.)؛ المناقب، ص ۹۴؛ التسهیل فی علوم التنزیل ابن جزی کلبی، خطیب خوارزم. (تحریف‌ناپذیری در قرآن، ص ۵۹)

گزارش این مصحف در منابع امامیه نیز آمده است. به نمونه‌هایی از این گزارش‌ها در پاورقی اشاره می‌شود.<sup>۱</sup>

مضمون اکثر این گزارش‌ها از اصل وجود این مصحف، یکسان و به این صورت است: علی علیه السلام پس از وفات پیغمبر خدا صلی الله علیه و آله در خانه نشستند و قرآن را گردآوری و تدوین نمودند.<sup>۲</sup> بخش اعظم این روایات در کتاب «کتاب علی و مصحف فاطمه» از «شیخ مصطفی قصیرالعاملی» نیز آمده است.<sup>۳</sup>

#### دو - تفاوت ساختاری و محتوایی

از روایت چنین برمی‌آید که قرآن علی علیه السلام در سوره‌ها و آیات با قرآن موجود تفاوتی نداشته،<sup>۴</sup> بلکه تفاوت آن با مصحف موجود، تنها از حیث مشتمل بودن بر تفسیر، تأویل، بیان شأن نزول، ترتیب سوره‌ها بر اساس ترتیب زمان نزول آنها بوده است.<sup>۵</sup> بدیهی است که این تفاوت، نقصان و خلل در قرآن را نشان نمی‌دهد.<sup>۶</sup>

به این ترتیب اکثر دانشمندان امامیه بر این باورند که، چون تفاوت مصحف امام علی علیه السلام با مصحف موجود، در جوهره قرآن نبوده است، امام لزومی ندیده‌اند که آن مصحف را نمایان کنند.<sup>۷</sup> به نظر می‌رسد پنهان کردن مصحف از جانب امام، قوی‌ترین

۱. سلیم بن قیس؛ الکافی، ابو جعفر کلینی (م ۳۲۸ ه. ق)؛ التفسیر (معروف به تفسیر عیاشی)، محمد بن مسعود عیاشی (از دانشمندان قرن چهارم)؛ الاعتقادات، ابو جعفر صدوق (م ۳۸۶ ه. ق)؛ مناقب آل ابی طالب، ابن شهر آشوب مازندرانی (م ۵۸۸ ه. ق).

۲. تحریف‌ناپذیری قرآن، ص ۵۸.

۳. سیمای عقاید شیعه، ص ۱۷۶.

۴. همان.

۵. تحریف‌ناپذیری قرآن، ص ۷۲؛ افسانه تحریف قرآن، ص ۱۱۶.

۶. تحریف‌ناپذیری قرآن، ص ۱۴۵.

۷. رک: ۱. اعتقادات الإمامیه، محمد بن علی، ص ۸۴؛ ابن بابویه، شیخ صدوق؛ اوائل المقالات فی المذاهب والمختارات، شیخ مفید، ص ۸۰؛ البیان فی تفسیر القرآن، آیت‌الله ابوالقاسم خویی، ص ۲۲۳؛ المیزان فی تفسیر القرآن، محمدحسین طباطبایی، ج ۱۲، ص ۱۰۸.

دلیل است بر این که زیاده‌های در آن مصحف از متن آیات قرآن منزل نبوده و اگر تفاوت در جوهره قرآن و متن آیات وحی وجود داشت، سکوت جایز نبود.<sup>۱</sup> شیخ صدوق رحمته الله نیز در این باره چنین استدلال می‌کند: «اگر آن اضافات از قبیل آیات قرآنی بود، می‌باید در قرآن موجود باشد و از آن جدا نمی‌شد».<sup>۲</sup>

سه - دآوری عجولانه

با این حال، گروهی از وهابیان با خشن‌ترین کلام و زشت‌ترین القاب درباره ناقلان شیعی روایات مصحف امام علیه السلام، دآوری می‌کنند. آنان گزارش نسبتاً مفصل «سلیم بن قیس» درباره مصحف امام علی علیه السلام را «افک» و دروغ‌گویی می‌خوانند. شاید علت این دآوری گزارشی است که سلیم نقل می‌کند مبنی بر اینکه امام علی علیه السلام مصحف را به صحابه نشان دادند اما آنان نپذیرفتند، درحالی‌که همین گزارش مشروح در برخی منابع و اسناد اهل سنت، از جمله «مفاتیح الاسرار و مصابیح الانوار»، نیز آمده است.<sup>۳</sup> از جمله دآوری‌های عجولانه آنان، خلط میان فرقه‌های مختلف شیعه و عدم تفکیک و تمایز بین باورهاست. وهابی‌ها میان شیعیانی که غلو می‌کنند و دیگران تفاوتی قائل نمی‌شوند و عقابندی که مخصوص فرقه‌ای بوده را به دیگران نسبت می‌دهند.

از این رو «دکتر حفنی داوود» درباره «احمد امین مصری» می‌گوید:

ایشان از طریق علمی فرقی بین امامیه و مؤلّه نگذاشته است، بالاتر اینکه بین میانه‌روهای این فرقه‌ها و متعصبین آنها، که عقاید دیگران را با زبان‌های تیز و زنده مورد حمله قرار می‌دهند، تفاوتی قائل نشده است.<sup>۴</sup>

۱. تحریف‌ناپذیری قرآن، ص ۱۹۸.

۲. الاعتقادات، شیخ صدوق، ص ۸۶.

۳. ر.ک: تحریف‌ناپذیری قرآن، صص ۶۲ و ۲۱۱.

۴. ر.ک: افسانه تحریف قرآن، ص ۱۲۰؛ به نقل از: مع الکتب الخالده، ص ۱۷۰.

«زرقانی» نیز در این باره منصفانه سخن گفته است:

بعضی از غلات شیعه گمان می‌کنند که ابوبکر، عمر و عثمان، قرآن را تحریف کرده، آیات و سوره‌های زیادی را از قرآن انداخته‌اند. بعضی از علمای شیعه از این حرف باطل برائت جستند. و طاقت نیاورده‌اند که این حرف به آنها نسبت داده شود.<sup>۱</sup>

«دکتر عبد الصبور شاهین» نیز عنوان می‌کند: «کسانی که بعضی از روایات دروغ را به قرآن بسته‌اند، از غلات هستند».<sup>۲</sup>

ب) مصحف حضرت فاطمه زهرا علیها السلام

روایات فراوانی از ائمه اهل بیت علیهم السلام نقل شده است که نزد حضرت فاطمه علیها السلام مصحفی بوده و مطالب آن از جانب جبرئیل علیه السلام به ایشان الهام شده است.<sup>۳</sup> بنا بر روایات معصومین علیهم السلام، حضرت فاطمه علیها السلام پس از وفات رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم، هفتاد و پنج روز در قید حیات بودند و از فقدان پدر، بسیار اندوهگین بودند؛ از این رو جبرئیل نزد آن حضرت علیها السلام می‌آمد و تسلیت می‌داد و از رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و جایگاه ایشان و آنچه پس از فاطمه علیها السلام برای فرزندان او پیش خواهد آمد، به او خبر می‌داد و علی علیه السلام آنها را می‌نوشت.

ائمه معصومین علیهم السلام فرموده‌اند که محتوای این مصحف، گزارشی از اخبار و حوادث آینده است، اما احکام حلال و حرام یا آیات قرآن در آن وجود ندارد.<sup>۴</sup>

بحث مفصل درباره اینکه آیا پس از وفات رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم امکان فرود جبرئیل یا هر فرشته

۱. رک: افسانه تحریف قرآن، ص ۱۲۱؛ به نقل از: مناهل العرفان، ج ۱، ص ۲۷۳.

۲. افسانه تحریف قرآن، ص ۱۲۱؛ به نقل از: تاریخ القرآن، ص ۱۶۵.

۳. سیمای عقائد شیعه، ص: ۱۷۶، همان.

۴. رک: کافی، شیخ کلینی، ج ۱، صص ۵۹۲ - ۶۰۲؛ بحار الانوار، علامه مجلسی، ج ۲۲، ص ۵۴۶ و ج ۲۶، صص ۳۸ - ۴۸، ۲۱۱.

دیگری وجود دارد یا نه، مجال دیگری را می‌طلبد، اما باید گفت که بر اساس اسناد شیعه و سنی، امکان رخ دادن این امر وجود دارد و وقوع آن، آشکارا در احادیث شیعه آمده است و جای انکار نیست؛ همچنین نتیجه چند مقدمه از اسناد اهل سنت نیز این امر را اثبات می‌کند و جای تردید باقی نمی‌ماند.<sup>۱</sup> خلاصه این مقدمه‌ها به شرح زیر است:

الف) امکان وجود مُحدَث (مردانی که نبی نیستند، اما فرشته با آنان سخن می‌گویند) در بین امت مسلمان وجود دارد.<sup>۲</sup> «بخاری» در «صحیح» خود، در این باره حدیثی از پیامبر اکرم ﷺ نقل می‌کند<sup>۳</sup> و از قول «ابن عباس» نیز نقل کرده است که وی، آیه شریفه ۵۲، سوره حج را چنین خواند: «وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ مِنْ رَسُولٍ وَلَا نَبِيٍّ - وَلَا مُحَدَّثٌ - إِلَّا إِذَا تَمَّتْ»<sup>۴</sup> و احادیث متعدد دیگری که از احادیث صحیح هستند.<sup>۵</sup>

ب) زهرای مرضیه رضی الله عنها «سیده نساء اهل الجنة» است. این حدیث به شیوه‌های مختلف در اسناد اهل سنت وارد شده است؛ از جمله در صحیح بخاری،<sup>۶</sup> «ابن حجر» نیز در شرح این حدیث به برخی از اسناد آن اشاره کرده است.<sup>۷</sup>

اگر فرشتگان الهی با مریم رضی الله عنها سخن گفتند:

﴿وإذ قالت الملائكة يا مريم إن الله اصطفاك وطهرتك واصطفاك على نساء

العالمين﴾؛ (آل عمران: ۴۲)

۱. تحریف‌ناپذیری قرآن، ص ۲۰۴.

۲. رک: شرح العقائد النسفية، سعدالدین تفتازانی، صص ۹۲ - ۹۴.

برای توضیح بیشتر درباره امکان «محدث» بودن در این امت و مسائل جانبی آن رک: الغدير، علامه امینی، ج ۵، صص ۶۷ - ۸۰.

۳. صحیح البخاری، محمد بن اسماعیل بخاری، ج ۵ ص ۱۲.

۴. همان.

۵. فتح الباری بشرح صحیح البخاری، ابن حجر عسقلانی، ج ۷، صص ۵۰ و ۵۱.

۶. ج ۵، ص ۲۹، باب مناقب فاطمه.

۷. صحیح بخاری، ج ۵، ص ۲۹؛ فتح الباری، ج ۷، صص ۷۸ و ۱۰۵.

هنگامی که فرشتگان به مریم گفتند: ای مریم! خداوند تو را برگزید و پاک کرد و بر زنان جهانیان برگزید.

اگر حضرت ساره - همسر حضرت ابراهیم علیه السلام - نیز صدای فرشته‌ای را شنید،<sup>۱</sup> درباره زهرای مرضیه علیها السلام که سیده زنان اهل بهشت است، چنین امری به بهترین وجه امکان داشته است؛ زیرا دلیلی بر اختصاص مقام «مُحَدَّثَه» به امت‌های پیشین نیست و زهرای مرضیه علیها السلام، سرور بانوان بهشتی، و براساس روایات دیگر، سرور بانوان جهانیان است.<sup>۲</sup>

### شبهه پراکنی مخالفان

شگفت است که برخی وهابیان واژه «مصحف فاطمه» را بهانه‌ای قرار داده‌اند تا به شیعه تهمت بزنند که اینها قرآنی دارند، به نام مصحف فاطمه.<sup>۳</sup> کسانی مانند «احسان الهی ظهیر»، «محمد مال‌الله» و ... که هرگز نمی‌توان آنان را محققانی بی‌طرف نامید، از کلمه مصحف که لفظ مشترکی است، سوءاستفاده می‌کنند و آن را به معنای قرآن می‌دانند و می‌گویند:

شیعه قرآنی دارد که نام آن «مصحف فاطمه» است و از آنجا که این مصحف به لحاظ محتوا با قرآن موجود به کلی متفاوت است، پس قرآن شیعه، قرآنی دیگر است!

«محمد مال‌الله» می‌نویسد:

قرآن نزد شیعه، سه برابر قرآن موجود است و در آن هیچ حرفی از این قرآن نیامده است. اجماع اهل سنت بر این است که هر کس حرفی از قرآن را انکار

۱. هود: ۶۹ - ۷۳.

۲. تحریف‌ناپذیری قرآن، ص ۲۰۵.

۳. ر.ک: سیمای عقاید شیعه، ص ۱۷۶ و ۱۷۷؛ تحریف‌ناپذیری قرآن، ص ۲۰۴ و ۲۰۵.

کند، یا بر این پندار رود که نقصان و تبدیلی در قرآن رخ داده، کافر شده ... ، چه رسد به ادعای شیعه که می‌گوید: قرآنی هست که حرفی واحد از این قرآن در آن نیست.<sup>۱</sup>

در حالی که با اندک تحقیق و بررسی آشکار می‌شود که واژه «مصحف» در لغت به «مجموعه‌ای از نوشته‌ها گفته می‌شود که بین دو جلد قرار دارد».<sup>۲</sup>

همچنین، اسم مصحف پس از وفات پیامبر اکرم ﷺ بر قرآن کریم گذاشته شده است، نه در زمان آن حضرت ﷺ. سیوطی می‌گوید:

چون قرآن را گرد آورده و روی ورق نوشتند، ابوبکر گفت: نامی برای آن برگزینید. یکی گفت: سِفْر، دیگری گفت: مصحف، چون حبشیان آن را مصحف می‌نامند. و ابوبکر نخستین کسی بود که کتاب خدا را گرد آورد و آن را مصحف نامید.<sup>۳</sup>

دیگر اینکه روایات فراوانی در اسناد شیعه هست که در آنها مصحف، به همان معنای لغوی‌اش به کار رفته است.<sup>۴</sup> در منابع اهل سنت نیز، گاهی کلمه مصحف، به همین معنا آمده است؛ مانند مصحف «خالد بن معدان» (م ۱۰۴ هـ. ق) که درباره وی گفته‌اند: «دانش خالد بن معدان در مصحفی ثبت شده بود که دارای دکمه و دستگیره بود».<sup>۵</sup>

- 
۱. تحریف‌ناپذیری قرآن، صص ۲۰۵ و ۲۰۶؛ به نقل از: الشیعه و القرآن، احسان‌الهی ظهیر، ص ۳۲؛ الشیعه و تحریف القرآن، محمد مال‌الله، ص ۶۱.
  ۲. لسان‌العرب، ج ۹، ص ۱۸۷.
  ۳. سیمای عقائد شیعه، ص ۱۷۶؛ به نقل از: الإیتقان فی علوم القرآن، ج ۱، ص ۱۸۵.
  ۴. رک: بحار الانوار، محمد باقر مجلسی، ج ۲۲، ص ۵۴۶ و ج ۲۶، ص ۳۸ به بعد.
  ۵. تحریف‌ناپذیری قرآن، ص ۲۰۳؛ به نقل از: کتاب المصاحف، ابن ابی داود سجستانی، ص ۱۲۴ - ۱۳۵.

### جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

نتیجه این است که شیعه امامیه، قرآن دیگری که متفاوت با قرآن موجود باشد، ندارد، بلکه همین قرآن در دسترس را معجزه خالده پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌داند و به آن اعتقاد قطعی دارد و اتهام مخالفان را به شدت، رد می‌کند.



## منابع

۱. افسانه تحریف قرآن، رسول جعفریان، ترجمه: محمود شریفی.
۲. تحریف ناپذیری قرآن، فتح‌الله نجارزادگان.
۳. التحقيق في نفي التحريف عن القرآن، سيد علي ميلاني.
۴. سلامة القرآن من التحريف، فتح‌الله نجارزادگان.
۵. سیمای عقاید شیعه، جعفر سبحانی.
۶. صيانة القرآن من التحريف، محمد هادی معرفت.
۷. القول الفاصل على رد مدعى التحريف، سيد شهاب الدين مرعشي نجفی.
۸. نزاهت قرآن از تحریف، عبدالله جوادی آملی.

